

مادلونگ در پاسخ به نظر مورخان غیرمسلمان در خصوص اعلام نکردن جانشین، این مسأله را حاصل شرایط حاد و بحرانی ماه‌های پایانی عمر پیامبر (ص) و رقابت قریش با بنی هاشم و ضعف بنی هاشم می‌داند. پیامبر در ماجرای فرستادن علی به یمن و شکایت عده‌ای از او دریافت‌ه بود اصحاب او از پذیرش خلافت علی سر باز خواهند زد.

امامت آن‌ها هستند». مادلونگ در انتها می‌گوید «بنابراین، جای شک در صحت این گفتار وجود دارد که محمد به این سبب از تعیین جانشین برای خویش خودداری کرد که خواست خدا بر این بود که از خلافت موروثی در خاندان او جلوگیری کند و محمد خواست که آن را شورای مسلمانان تعیین کند». مادلونگ با این نظر نیز مخالف است. او امرشورا را در برخی امور جهت حل و فصل اختلافات قبول دارد و آن را توصیه قرآنی می‌داند، اما نه امر جانشینی پیامبری که با انتخاب الهی تعیین می‌شود، امری که در سایر پیامبران هم با انتخاب فرزندان و خویشاوندان پیامبر به انجام رسیده است. او در پاسخ به این ابهام که پس چرا پیامبر دست به چنین انتخابی نزد و در این امر کوتاهی نمود معتقد است در چنین امر خطیری پیامبر باید منتظر وحی می‌شد، اما وحی به او نرسید. اینجا مادلونگ نظریه دیدگاه شیعیان را مبنی بر انتخاب علی (ع) از سال‌های ابتدایی دعوت نپذیرفته است و بسیاری از نصوص و روایات موجود را نادیده گرفته است. او سپس در پاسخ به نظر مورخان غیرمسلمان در خصوص اعلام نکردن جانشین، این مسأله را حاصل شرایط حاد و بحرانی ماه‌های پایانی عمر پیامبر (ص) و رقابت قریش با بنی هاشم و ضعف بنی هاشم می‌داند که ایشان از این مسأله آگاه بود به‌ویژه که پیامبر در ماجرای فرستادن علی به یمن و شکایت عده‌ای از او دریافت‌ه بود اصحاب او از پذیرش خلافت علی سر باز خواهند زد. اگرچه مادلونگ معتقد است پیامبر در اجتماع غدیر درصد برآمد تا این اختلافات را از بین ببرد، اما در نهایت به این نتیجه رسید که زمان مناسبی برای طرح جانشینی نیست، لذا مجبور شد این انتخاب را به تأخیر بیندازد.^۵

او پیامد چنین وضعیتی را زندگی تبعیض‌آمیز مسلمانان بعد پیامبر، تسلط قریش بر گروه‌های دیگر و تفرقه و خونریزی و شکاف بین مسلمانان تا امروز می‌داند. بدون تردید، دیدگاه مادلونگ در این عبارت را باید در قالب نظریه محقق غربی ارزیابی نمود. تحلیل او در ارزیابی پیامبر از وضعیت مدینه و مخالفت اصحاب درست است، اما این امر که پیامبر به واسطه مخالفت اطرافیان از ابلاغ امری خطیر چون جانشینی اش خودداری ورزد به فهم مفهوم قدرت در غرب برمی‌گردد و با دیدگاه شیعه مبنی بر الهی بودن منصب امامت و رهبری و ابلاغ آن در غدیر توسط پیامبر منطبق نیست و نشان می‌دهد او انبوهی از نصوص و منابع کلامی و روایی و تاریخی را که دلالت بر انتخاب علی در امامت مسلمانان است نادیده گرفته است. اما تأکیدات او در حق جانشینی فرزندان پیامبر بر اساس نظریه جانشینی پیامبران نگاه همدلانه او را در این مسئله نشان می‌دهد. حضور و سخنرانی او در همایش «نقش شیعه در گسترش علوم» علی‌رغم کھولت سن و ناتوانی اش بر این امر صحه می‌گذارد.

مقاله دیگری که توسط رسول جعفریان ترجمه و نقد شده با عنوان «تشیع امامی و زیدیت» در کیهان اندیشه ۱۳۷۲ شماره ۵۲ به چاپ رسیده است. مادلونگ در ابتدای این مقاله شیعه را افرادی می‌داند که علی و اهل بیت پیامبر را تقدیس می‌کنند. او خاستگاه تشیع را کوفه و اولین تحركات شیعه را قیام مختار به طرفداری از محمد حنفیه می‌داند. او امام باقر را بیان‌گذار

فقه شیعه و محل رجوع شیعیان منزوی کوفه برای حل مسائل فقهی معرفی می‌کند. جعفریان معتقد است این نگاه نویسندگان با آنچه شیعه از شواهد تاریخی درباره اصل نظریه امامت از زمان رسول خدا معتقد است منافاتی ندارد، چرا که کوفه مرکز اصلی تشیع و محل حکومت امیرالمؤمنین علی (ع) و مجمع شیعیان و اصحاب او بوده است. البته نگاهی به سایر آثار و مقالات مادلونگ نظر جعفریان را تأیید می‌کند. مادلونگ معتقد بود سقیفه آغازی بر جدایی دو گروه مسلمانان و یک کودتای نظامی علیه فرزند پیامبر و اهل بیت او بوده است. عبارات او در کتاب جانشینی محمد و نقد نظریه اهل سنت در خاتمیت پیامبر و محول شدن رهبری پس از ایشان بر شورای امت این نظر را تکمیل می‌کند.^۶

احمد بهشتی مهر و داوری در مقاله‌ای پژوهشی به بررسی ویژگی‌های پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی پرداخته‌اند. آن‌ها مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف مادلونگ را در:

- ۱- استفاده از منابع معتبر و درجه اول
- ۲- تفکیک میان منابع شیعه و سنی
- ۳- استفاده بجا و دقیق از منابع شیعه و سنی
- ۴- استفاده از منابع پرشمار
- ۵- شناخت دقیق عالمان و متکلمان شیعه و سنی
- ۶- نگاه نظام‌مند و دقیق و آگاهی همزمان تاریخی، اعتقادی و کلامی دانسته‌اند.^۸

مادلونگ، بر خلاف مستشرقان سده قبل از خود، آگاهی فراوانی از منابع اسلامی داشته است. نگاهی به کتاب جانشینی محمد نشان می‌دهد او در جای مناسب به منابع اصیل مانند وقعة الصفین، تاریخ یعقوبی، مروج الذهب مسعودی، رجال نجاشی و ارشاد مفید که از منابع شیعی هستند رجوع کرده است، یا در بررسی مسائل و اعتقادات کلامی شیعه از منابع اصلی این فرقه مانند کتب مفید، سید مرتضی، طوسی و محقق حلی و کلینی و نجاشی استفاده نموده است. آگاهی او از جایگاه هر منبع و تفکیک منابع کلامی و تاریخی و تحریر و روش علمی او در استفاده از منابع را نشان می‌دهد. آنجا که برای معرفی مسائل و مطالب کلامی به آثار متکلمان همان فرقه رجوع می‌کند نه یک منبع حدیثی و روایی؛ به عنوان مثال، برای تعریف عصمت در کلام شیعه آن را به آثار متکلمان این فرقه ارجاع می‌دهد. شناخت دقیق و ویژه او از بزرگان و متکلمان شیعه در عناوین پژوهشی او در دایرة المعارف بزرگ اسلامی و معرفی فضل بن شاذان، هشام بن حکم، محمد بن نعمان، زرارة بن اعین و...، برجسته‌ترین نمایندگان کلام امامیه در عصر امام صادق و کاظم، هویدا است. او همچنین به اصالت منابع نیز اهمیت می‌داد و ارجاع به منابع اصیل، و نه متأخر، از روش علمی او حکایت دارد.

مادلونگ را باید جزء معدود مستشرقانی دانست که با اشرف و آگاهی بر موضوعات اسلامی و شناخت درست از منابع شیعی و سنی مجموعه‌ای از آثار ارزشمند را پدید آورد که می‌توانند نقش مؤثری در پژوهش‌های آتی مستشرقان داشته باشد. اعتبار او در اتخاذ روش علمی، استفاده از منابع معتبر و اشرف بر منابع پرشمار و اصیل، همین‌طور نگاه نظام‌مند او در مطالعات اسلامی، او را از دیگر هم‌تایان خود متمایز ساخته است. ▶

پی‌نوشت

- ۱- مادلونگ، ویلفرد. امام قاسم بن ابراهیم و اصول اعتقادی زیدیه، ترجمه شیرین شافری، تهران: نامک، ۱۴۰۰.
- ۲- مادلونگ، ویلفرد و پل ای واکر. المناظرات، ترجمه محمد جاویدان، قم: انتشارات ادیان، ۱۳۸۸.
- ۳- عطایی نظری، حمید. «مروری بر تازه‌ترین دیدگاه‌های فان‌اس و مادلونگ در باب تکوین تشیع و مسئله جانشینی پیامبر ص»، آیینة پژوهش، سال بیست‌ونهم، شماره ۲، پیاپی ۱۷، خرداد و تیر ۱۳۹۷.
- ۴- مادلونگ، ویلفرد. جانشینی محمد، ترجمه احمد نمایی، جواد قاسمی، حیدررضا ضابط، محمد جواد مهدوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷، ص ۵۶ و ۶۶.
- ۵- همان، ص ۲۰-۲۲.
- ۶- همان، ص ۲۶ تا ۳۰.
- ۷- همان، ص ۳۳.
- ۸- بهشتی مهر، احمد و محمود تقی‌زاده داوری. «بررسی روش‌ها و ویژگی‌های پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم: سال پانزدهم، شماره چهارم، پیاپی ۶.